



سرشناسه: هاشمی، جواد، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: سوال؛ نماد نیاز/ نویسنده جواد هاشمی؛ [به سفارش]
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
فروست: رهنما.
شابک: 978-600-6543-68-0
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه .
موضوع: پرسشگری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره: BP/۲۵۴۱۴/۱۳۹۱ ۹س۲ه
رده بندی دیوبی: ۶۵۳/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۶۹۱۳



۴۵ → سؤال؛ نماد نیاز

نویسنده: جواد هاشمی
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح جلد: علی بیات
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



سؤال: نماد نیاز

سؤال: نماد نیاز

در این نوشتار، می‌خواهیم بدانیم:

۱. پرسش چه تعریفی دارد و تفاوت آن با شبهه چیست؟
۲. انواع پرسش‌ها و ویژگی‌های آن‌ها کدام است؟
۳. وظایف پرسشگر و پاسخ‌گو چیست؟



درآمد

دین مبین اسلام برای پرسش و پاسخ، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای قائل است؛ به‌طوری‌که در آیات و روایات متعدد، در مناسبت‌های مختلفی، ترویج آن مدنظر خداوند عز و جل و رهبران دین بوده است:

برای نمونه، در آیه **﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾** (= اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید)^۱ توجه به این مسئله، به‌خوبی نمایان است. در روایات نیز عنایت به سؤال و مسئله‌پرسیدن، متعدد به‌چشم می‌خورد؛ از آن جمله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «دانش به‌مانندِ گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن، پرسش. رحمت خدا عز و جل بر شما باد؛ بپرسید که به‌واسطه آن، چهار گروه اجر می‌برند: پرسنده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستدار سؤال.» البته، نمونه‌های فراوان دیگری نیز

۱. انبیاء/۷.



در آیات، روایات و سیرهٔ پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و منشی بزرگان دین وجود دارد که به‌علت اختصار، از ذکر آن خودداری می‌کنیم؛ اما از مجموع این تأکید و توجه‌های خاصِ اسلام به پرسش و پاسخ، چنین برمی‌آید که اسلام، پرورش‌اندیشه را در پرتو سؤال و توجه به پرسشگری می‌داند.

از آنجا که دین مبین اسلام، دین کامل و همه‌جانبه‌ای است، آمادگی کامل برای پاسخ به هر پرسشی، از هر کسی و در هر زمانی را دارد و برخلاف رویکرد بسیاری از ادیانِ انحرافی در اینکه همواره، از طرح سؤال در اجتماع خود واهمه داشته‌اند، اسلام خود مروج طرح سؤال است و از آن به‌خوبی استقبال می‌کند.

حال که به‌گوشه‌هایی از اهمیت پرسشگری از نظر اسلام اشاره کردیم، این مسئله را از زوایای مختلف بررسی می‌کنیم:

۱. تعریف پرسش و اهمیت آن



پرسش به معنای طلب و خواستن است که گاهی برای استفهام و اخبار از چیزی است و گاهی به معنای درخواست چیزی. در اصطلاح، جستجوی بشر برای شناختن را پرسش می‌گویند و پرسشگر می‌کوشد با بیان پرسش، موضوع یا مطلبی را درک کند و بشناسد و معرفتی را طلب کند. البته، گاهی پرسشگر از بیان پرسش خود اهدافی دیگر، نظیر خبرگیری، انکار امر، تشویق، تقبیح، سرزنش، تعجب و شگفتی، استهزا و تمسخر یا تقریب و تأیید، دنبال می‌کند.

درباب اهمیت پرسش، می‌توان گفت:

- یکی از ارکان مهم هر دانستنی، پرسش بجا و دقیق است.
- انسان در آنچه نمی‌داند، ناچار از پرسیدن است.
- سؤال و پرسیدن همچون شاه‌کلیدی است که هر گنجینه با ارزشی از علم را بازگشایی می‌کند؛ از این رو، هر که بیشتر سؤال کند، بیشتر می‌یابد.



- سؤال کردن با خصوصیات فطری افراد، ارتباط مستقیم داشته و پیشینه‌ای به‌درازای عمر بشر دارد.

- هر چقدر انسان به‌دانایی مشهورتر باشد، نباید خود را از فراگیری بی‌نیاز بداند.

- بین پرسش و دانایی ارتباطی دوسویه وجود دارد: پرسشگران بیشتر می‌دانند و آنان که بیشتر می‌دانند، بهتر و بیشتر می‌پرسند.

- سؤال نکردن می‌تواند موجب هلاکت امت‌ها شود؛ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «همانا مردم هلاک می‌شوند؛ زیرا، آنان نمی‌پرسند.»^۱

- مردمی که پرسشگران خوبی باشند، پویاتر، معقول‌تر، زنده‌تر و بانشاط‌تر بوده و فاتح قله‌های رشد و ترقی خواهند بود و در جامعه آنان، علوم مختلف به‌سرعت رواج خواهد یافت و



سؤال: نماد نیاز

حقایق، نمایان‌تر است و باطل، رو به‌افول و سقوط خواهد بود؛ چه آنکه نپرسیدن و به‌تبع آن ندانستن، باعث می‌شود حقیقت، نزد مردم وارونه جلوه کند.

۲. شبهه و تفاوت‌های آن با پرسش



هرچند در نگاه اول، بین سؤال و شبهه شباهتهایی وجود دارد، اما به لحاظ مفهومی تفاوت‌های فراوانی بین آن‌ها هست:

۱-۲ در پرسش، پرسشگر می‌کوشد مطلبی را بداند؛ در حالی که در شبهه، هدف اصلی ایجاد تردید در ذهن مخاطب است. در حقیقت، کارکرد پرسش، فهم و شناخت است؛ اما شبهه را مطرح می‌کنند تا مخاطبان خود را به چالش بکشانند.

۲-۲ در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه‌گر، حق و باطل را در هم می‌آمیزد؛ چنان‌که در فرمایش مولاعلی علیه السلام آمده است: «شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد.»^۱

۲-۳ شبهه تردید و تزلزل را در اندیشه و عمل فرد و جامعه موجب می‌شود؛ ولی در

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۹۱.



پرسش، این گونه نیست. باید توجه داشت در مواقعی که طرح پرسشی، تنها به سست شدن نظریه‌ای علمی، فلسفی یا دینی بیانجامد و تردید اعتقادی و عملی ایجاد نکرده و سعادت فرد و جامعه را تهدید نکند، شبهه نامیده نمی‌شود.

۲-۴ برخلاف پرسش، سرپوش نهادن بر واقعیات و انحراف افکار عمومی از حق، از نتایج شبهه است.

۲-۵ در شبهه، سوءنیت شبهه‌کننده محرز است.

براین اساس، دین اسلام در عین حال که مردم را از روی آوردن به شبهه و شبهه‌افکنی بر حذر داشته، همگی را به پرسشگری فراخوانده است؛ زیرا با پرسش، علم و ایمان رشد یافته و رونق می‌یابد؛ اما با شبهه، علم و ایمان آسیب می‌بیند.

در مواجهه با شبهه، از این راهکارها می‌توان بهره برد: نادیده‌انگاری و جدی نگرفتن شبهه؛ پاسخ عملی و عینی به شبهه؛ بررسی انگیزه طراحان شبهه و مقابله با آن؛ شناخت مراکز



شبهه‌افکن و افشای آن؛ تأکید بر درستی جنبه‌های مثبت یا مقدمات صحیح شبهه؛ تصرف در محتوای شبهه؛ مواجهه فعال و طرح شبهه‌اتی که مخالفان را به پاسخ‌گویی وادار کند؛ طراحی راهکار و برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت برای پاسخ به شبهه؛ ابداع یک نظریه؛ مواجهه اخلاقی با شبهه و رعایت ادب و احترام؛ بیان تاریخچه یک نظریه؛ تبدیل کردن شبهه به پرسش یا ابهام و سپس پاسخ‌دهی به آن.

۳. انواع پرسش و ویژگی‌های آن





پرسش انواع مختلفی دارد که هر یک، ویژگی خاصی دارند:

۱-۳ حقیقی: گاهی پرسشگر واقعاً به دنبال یافتن حقیقتی است و هدف اصلی او از پرسش، این است که مطلبی را فراگیرد که نمی‌داند. این نوع پرسش، مفید و حقیقت‌یاب است. نمونه این پرسش در قرآن کریم آمده است: آنگاه که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند عز و جل کیفیت زنده شدن مردگان را سؤال می‌کند.

۲-۳ استهزائی: هدف این نوع پرسش، مسخره کردن و تضعیف شخصیت طرف مقابل است. از جمله این پرسش‌ها، می‌توان به پرسش‌هایی اشاره کرد که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اشراف و ثروتمندان برای تمسخر و استهزاء فقرا می‌پرسیدند.

۳-۳ انکاری: به نوعی از پرسش می‌گویند که پرسشگر به دنبال یافتن جواب نیست، بلکه می‌خواهد وقوع مطلبی را انکار و نفی کند؛ مانند آیه نهم سوره عادیات: «آیا نمی‌داند که در آن روز، تمام کسانی که در قبرها هستند، برانگیخته می‌شوند؟»



۳-۴ ارتباطی: این گونه پرسش‌ها فقط برای ایجاد ارتباط و آغاز کلام یا شروع سخنی مطرح می‌شوند. باید توجه داشت که در سؤالاتِ ارتباطی، اولین پرسش‌هایی که پرسشگر مطرح می‌کند، سؤالاتِ اصلیِ او نیستند.

۳-۵ تشویقی: انواع تشویقی و ترغیبی پرسش را می‌توان در آیه ۲۰ سوره آل عمران شناسایی کرد. در این آیه، پیامبر ﷺ با پرسش تشویقی می‌کوشد تا اهل کتاب را نسبت به تسلیم در برابر خداوند ﷻ و اخلاص برای او، تشویق کند.

۳-۶ آموزشی: غالباً این نوع پرسش‌ها را در کلاس‌های درس و آموزش مطرح می‌کنند و در آن، پرسشگر علاوه بر اینکه هدف آموزشی دارد، به نوعی اهمیت موضوع را نیز تبیین می‌کند و قصد دارد قبل از طرح موضوع، در ذهن مخاطب سؤال ایجاد کند. این نوع از سؤال را در بسیاری روایات مشاهده می‌کنیم: برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ به اصحاب خود فرمودند: «آیا شما را به سلاحی رهنمون شوم که شما را از دشمنانتان نجات می‌دهد و روزی‌تان را افزون



می‌سازد؟» عرض کردند: «آری.» فرمود: «پروردگارتان را به صبح و شام بخوانید؛ زیرا دعا سلاح مؤمن است.»^۱

این روش، یعنی طرح سؤالات با هدف آموزشی، بیشترین تأثیر را برای یادگیری در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند و در پی آن، مخاطب سایر سؤالات خود را نیز طرح خواهد کرد.

۷-۳ تقریری: در این روش، هدف از طرح پرسش، یادآوری دانسته‌های افراد و اقرار گرفتن از ایشان است. این پرسش‌ها مقدمه‌ای خواهد بود تا گوینده، مطلب مهمی را به شنونده القا کند. نمونه‌هایی از این پرسش‌ها، در قرآن آمده است: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ (= آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟)^۲

۸-۳ عیب‌جویانه و آزاربخش: نوعی از پرسش است که پرسشگر نه به دنبال دانستن

۱. بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، پیام پیامبر، ص ۴۸۰.

۲. فجر/۶.



مطلبی است و نه آموزش آن؛ بلکه قصد دارد دانسته‌ها و معلومات خود را به‌رخ دیگران بکشد یا مخاطب خود را بیازارد و بهانه‌جویی کند یا ضعف او را به‌اثبات رساند.

چنانچه در آیات ۷ تا ۱۱ سورة فرقان مشاهده می‌کنیم، مشرکان در پرسش‌های خود نمی‌خواستند ایمان بیاورند و پرسش‌های آنان معقول نبود. خداوند عز و جل به این نکته اشاره می‌فرماید که آنچه دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند، چیزهایی نیست که خداوند عز و جل از انجام دادن آن عاجز باشد، اما آنان به‌دنبال بهانه‌جویی و تکذیب هستند. این‌گونه پرسش‌ها مذموم است و در مواجهه با آن، باید با ظرافتی خاص روبه‌رو شد.

۳-۹ بیهوده: منظور، پرسش‌هایی است که دانستنِ پاسخ آن، هیچ فایده‌ای نداشته و دانستن آن نیز، هیچ اشکالی ندارد: مثل دانستن تعداد موهای سرِ انسان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خدایا، از چهار چیز به تو پناه می‌برم: از علمی که نفعی ندارد و قلبی که خاشع



نیست و نفعی که میسر نمی‌شود و دعایی که شنیده نمی‌شود.»^۱

۱۰-۳ ممنوع: گاهی آشکارنشدن و پنهان ماندن برخی مسائل، برای حفظ نظام و اجتماع و مصالح افراد بهتر و مفیدتر است؛ در این گونه مواضع، جستجوها و پرسش‌های پی‌درپی، برای پرده برداشتن از واقعیت، نه تنها فضیلتی نیست، بلکه مذموم و ناپسند است؛ مثلاً مردم در همکاری‌های خود، نیاز به خوش‌بینی دارند و برای حفظ این سرمایه بزرگ، صلاح نیست تمام جزئیاتِ حال یکدیگر را بدانند، زیرا هر کس نقطه‌ضعفی دارد که فاش شدنِ آن، همکاری و ارتباطات افراد را دچار مشکل می‌کند.

قرآن کریم در خصوص این گونه تجسس‌ها می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند.»^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۰.

۲. مائده ۱۰۱.



سؤال: نماد نیاز

۱۱-۳ تنبیهی: شخص این نوع پرسش را هنگامی مطرح می‌کند که با پرسش خود، قصد یادآوری یا تنبیه مخاطب را دارد. مثلاً، پدری برای تنبیه فرزند خود، از او سؤال می‌کند: «مگر نگفتم با فلانی رفاقت نکن؟!»

۴. وظایف پرسشگر چیست؟





در فرایند پرسش و پاسخ، هریک از پرسشگران و پاسخ‌گویان وظایفی دارند که عمل به آن‌ها، نتیجه‌گیری مطلوب‌تری در تبادل اطلاعات و معلومات در پی خواهد داشت. اینک به گوشه‌هایی از وظایف پرسشگران اشاره می‌کنیم:

۴-۱ پرسشگر باید از طرح سؤالاتِ ممنوع یا بیهوده و نیز سؤالاتی خودداری کند که منجر به تخریب، مسخره‌کردن، آزار و اذیتِ دیگران و فخرفروشی می‌شود. این‌گونه سؤالات و پرسش‌ها، علاوه بر ایجاد مزاحمت برای دیگران، طرد پرسشگر را نیز باعث می‌شود.

۴-۲ آنچه نمی‌داند بپرسد و از پرسیدن خسته نشود که پرسیدن بهتر از ندانستن است.

۴-۳ هنگام پرسش، نوع سؤال و موقعیتِ زمانی و مکانی و سایر مخاطبان را در نظر بگیرد؛ آنگاه سؤال را طرح کند.

۴-۴ سؤال کردن باید به انگیزه الهی و برای فهمیدن و روشن‌شدن حقایق و تکالیف باشد و از آنچه منجر به راهنمایی و ارشاد انسان نمی‌شود، باید پرهیز کرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:



«برای فهمیدن، سؤال کن؛ نه برای آزار دادن. به درستی، جاهلی که به دنبال فراگیری است، شبیه عالم است و عالمی که به بیراهه می‌رود، شبیه جاهل است.»^۱

۴-۵ در پرسیدن، هیچ‌گاه نباید سوءنیت داشته باشد.

۴-۶ از طرح پرسش‌هایی پرهیز کند که شک و تزلزل در اعتقادات و باورهای افراد ایجاد می‌کند.

۴-۷ حفظ حرمت افراد برای پرسشگر و پاسخ‌گو واجب است.

۴-۸ برای پرسیدن و دانستن، به کارشناس و خبره همان دانش باید مراجعه کرد و از پرسیدن از افراد غیرکارشناس ناآشنا، باید پرهیز کرد: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.»^۲ پس، بهترین افراد برای پرسیدن، در درجه اول انبیا و سپس، ائمه علیهم‌السلام هستند. در درجه سوم، علما و

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. نحل/۴۳.



دانشمندان و متخصصان هر رشته و در مسائل دینی، در عصر غیبت، متفکران اسلامی و فقها شایستگی پاسخ به پرسش‌های جامعه را خواهند داشت.

۴-۹ به هیچ وجه از افرادی که غرض و مرض و غل و غش در کارشان باشد، نباید پرسید؛ زیرا موجب انحراف اذهان خواهند بود و سخت شدنِ وظایف و تکالیف را در پی خواهند داشت.

۴-۱۰ مسائلی را نباید پرسید که اگر آشکار شود، ناراحتی و رنجش به بار می آورد: ﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ﴾^۱

۴-۱۱ پرسش خوب، پاسخ خوب را هم به دنبال خواهد داشت؛ از این رو، پرسش باید صریح، شفاف، ساده، روان و فهم‌پذیر باشد.

علاوه بر نکته‌های بالا، رعایت آداب زیر برای هر پرسشگر ضروری است:



سؤال: نماد نیاز

اجازه گرفتن برای پرسیدن، احترام به پاسخ‌گو، رعایت نوبت در پرسش، توجه دقیق به پاسخ، اختصاص زمان مناسب، عجله نکردن، ضبط نکردن مگر با اجازه استاد، پرسیدن از یک عالم، تشکر از پاسخ‌گو و دعا برای او، شرم نکردن از سؤال و بالاخره، کم و گزیده پرسیدن که از نگاه مولای بیان، بهترین گفتار سخنی است که در عین کوتاهی، گویا باشد.

۵. وظیفه پاسخگو چیست؟



۵-۱ پاسخ‌گوی خوب الزاماً باید پرسشگری خوب هم باشد. او همواره به دنبال علم و درک و فهم و شناخت مسائل مختلف است و برای پاسخ‌گویی به سؤالات متنوع و مختلف و تسلط به مسائل روزِ جامعه، مطالعه و آمادگی کامل کسب می‌کند. آشنایی با علوم مرتبط با سؤالات طرح‌شده، ضروری است؛ برای مثال، در جایی که از مسائل تربیتی سؤال می‌کنند و فرد پاسخ‌گویی، خود را آماده پاسخ‌دهی می‌کند، او باید با مسائل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... آشنایی مناسبی داشته باشد.

۵-۲ او باید بداند که پرسشگری برای آموختن، ایجاد حق می‌کند و لذا، پاسخ‌دهی بر پاسخ‌گو واجب و حفظ حرمت پرسشگر نیز لازم است.

۵-۳ پاسخ‌گو به اجر و پاداشی می‌بالد که برای پاسخ‌گویی مقرر شده است: در روایتی از حضرت زهرا علیها السلام، نقل کرده‌اند که پاداش پاسخ‌گویی و تبیین مسائل برای مردم، بیشتر از این



است که بین زمین تا عرش را از گوهر و لؤلؤ پُر کنند.^۱

۴-۵ به سفارش پیشوایان دینی،^۲ از ورود به عرصه مناظره و جدال، در صورت ناتوانی و نداشتن آمادگی لازم، پرهیز کند و به عکس، اگر آمادگی و توان آن را دارد، مباحثه کند و پاسخ گو باشد؛ چنان که امام رضا (ع) به محمد بن حکیم دستور دادند در مسجد پیامبر (ص) بنشینند و با مردم مدینه، بحث و گفتگو کند.^۳

۵-۵ فراگیری اصول و روش های صحیح پاسخ دهی و تسلط بر روش شناسی پاسخ گویی و کسب مهارت های لازم، ضروری است.

۶-۵ پاسخ گو همواره باید در مرز دانش حرکت کرده و راه را برای پویایی علم، بازگشایی

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.

۲. مقدمه شیخ طبرسی در احتجاج، ج ۱، ص ۱۴.

۳. رجال کشی، ج ۱، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۷.





کند و نیز، باید به گونه‌ای عمل کند که همواره، روش پاسخ به سؤالات و شبهات مطرح را بداند و از طرح سؤالات جدید نهراسد. هم‌چنین، پاسخ‌دهی باید به گونه‌ای باشد که به افزایش روحیه پرسشگری و تشویق پرسشگر منجر شود.

۵-۷ او نباید خود را در سؤالاتی محصور کند که قبلاً مطرح شده است. به اصطلاح، نباید سؤالات و پاسخ‌ها را به صورت کلیشه‌ای فراگرفته باشد و فقط بتواند به همان‌ها پاسخ دهد.

۵-۸ در پاسخ‌گویی نباید حق را با باطل ممزوج کرد و هم‌چنین، نباید از شاخه‌ای به شاخه دیگر پرید؛ همچنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که به قیس ماصر می‌فرمایند: «سخن تو به گونه‌ای است که هر چه می‌خواهی به حدیث پیامبر نزدیک‌تر شوی، دورتر می‌شوی و حق را به باطل می‌آمیزی، با آنکه حق اندک از باطل بسیار، بی‌نیازت می‌کند.»^۱



۵-۹ پاسخ‌دهی صحیح مهم است؛ به این معنی که ارائه پاسخ‌های ناکافی یا اشتباه، بد دفاع کردن و بد جواب‌دادن، از دفاع نکردن و جواب‌ندادن بسیار بدتر و خطرناک‌تر است.

۵-۱۰ پرداختن به مسائل مهم‌تر و اساسی‌تر در پاسخ‌گویی و نپرداختن به مسائل جزئی و غیرضروری و جهت‌دهی به پاسخ‌ها، تأثیر پاسخ را دوچندان می‌کند.

۵-۱۱ خوش‌رویی، متانت، توجه، صبر، حوصله و رعایت ادب در شنیدن سؤال پرسشگر، باعث نفوذ در ضمیر او می‌شود.

۵-۱۲ تشکیل جلسات پرسش و پاسخ متنوع، آمادگی پاسخ‌گو را برای مواجهه با پرسش‌های جدید، افزایش می‌دهد. گاهی لازم است پاسخ‌گو، قبل از ارائه پاسخ مناسب، با طرح سؤالات دیگری ضمن روشن‌تر شدن مفهوم سؤال، هدف پرسشگر را نیز درک کند. درک درست از سؤال و هدف سؤال‌کننده، به‌منظور تشخیص سؤال از شبهه و تفکیک آن‌ها در پاسخ‌گویی، زیرکی خاصی می‌طلبد. ضمناً، پاسخ باید تناسبی دقیق با نوع سؤال مطرح‌شده داشته باشد.



۵-۱۳ از به‌کاربردن کلمات و اصطلاحات ناپسند و غیرمؤدبانانه در پاسخ‌گویی، به‌گونه‌ای که باعث ناامیدشدن و پشیمانی سؤال‌کننده شود، باید پرهیز کرد.

۵-۱۴ معصومان علیهم‌السلام در شیوه پاسخ‌گویی خود، گاهی مطلب را به‌وضوح بیان نمی‌کردند؛ بلکه آن‌را به‌صورت سربسته یا در سطح نازل بیان می‌کردند تا شاگردی که مطلب برای او مبهم است و خواهان فهم بیشتری است، با طرح سؤال از امام، مطالب بیشتری را طلب کند.

۵-۱۵ پاسخ‌گویی به هر سؤال، باید براساس مقتضای نیاز روحی و معنوی، سطح فرهنگی و تحصیلات، سن و جنس مخاطب و موقعیت محیطی صورت گیرد.

۵-۱۶ در پرسش‌های تقریری، برای یادآوریِ معلومات افراد و اقرارگرفتن از آن‌ها، باید مطالبی پرسید که آنان می‌دانند تا مقدمه‌ای برای درک مطالب مهم برای مخاطب باشد.

نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.